

تفسير احمد

سورة القريش

Ketabton.com

106

شماره

ترجمه و تفسير سورة «قريش»

تتبع و نگارش: امين الدين سعيدي - سعيد افغانى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره القريش

جزء - (30)

این سوره در «مکه» نازل شده و دارایی 4 آیه می باشد

وجه تسمیه:

این سوره بدان سبب «قريش» نامیده شد که خداوند متعال در آن از نعمت‌های خود بر قريش یادآوری کرده است. و سوره «ایلاف» نیز نامیده می‌شود.

زمان نزول سوره القريش:

اگرچه ضحاک و کلبی این سوره را مدنی قرار داده اند، اما اکثریت عظیم مفسران بر مکی بودن آن اتفاق نظر دارند و نیز عبارت «رب هذا البيت» «خداوند این خانه» که در این سوره آمده بر مکی بودن آن گواهی می‌دهد، چراکه در صورت مدنی بودن سوره، به کار بردن عبارت فوق به هیچ وجه درست در نمی‌آید.

تعداد آیات، کلمات و حروف سوره قريش:

طوریکه در فوق هم یادآور شدیم «سوره قريش» از جمله سوره های مکی بوده، و داراي (1) رکوع، (4) چهار آیت، (17) کلمه، (79) هفتاد و نه حرف، و (41) چهل و یک نقطه است. (لازم به ذکر است که اقوال علماء در نوع حساب کردن تعداد حروف سوره های قرآن متفاوت و مختلف است.) برای تفصیل این مبحث میتوانید به سوره الطور، تفسیر احمد مراجعه فرمایید.

ولي عده اي از مفسران بر این باور اند که این سوره مبارکه در مدینه نازل شده، ولي مضمون سوره و اسلوب بیان آن مخصوصاً «بخش رب هذا البيت» بر مکی بودن سوره تاکید می‌دارد.

مفسران بدین عقیده اند که: سوره «الفیل و قريش» ارتباط تنگاتنگی با هم دارند، چنان معلوم می‌شود که همزمان و در یک مرحله نازل شده اند در هر دو خطاب متوجه قريش است.

نعمت های الهی را بیان می‌دارد و قريش را به سپاسگذاری دعوت می‌کند در یکی پیروزي بر دشمن مجهز و نیرومند را در دیگری نجات از خوف و گرسنگي را بیاد قريش می‌آورد و به آنان خاطر نشان می‌سازد، همانطوریکه پروردگار کعبه از شر اصحاب فیل نجات داد، فقر و گرسنگي شما را نیز از میان برداشته و در عوض رزق و روزي و افر بشما ارزاني می‌فرماید، به حالات ترس و خوف تان خاتمه بخشیده و امان و فضاي امنيت را به شما عنایت می‌فرماید، میتوانید در گرما و سرما، در شب و روز به سفر به پردازید و به امور تجارتي خویش مشغول شوید و کسی نیست که برای شما و امور تجارتي شما مزاحمت خلق کند، پروردگار با عظمت خطر دشمن را دفع و برای شما نعمت صلح را به ارمغان آورد.

خوانندگان گرامی!

طوریکه مشاهده فرمودید که بعد از شکست نیروهای ابرهه در قدم اول به این شهر امنيت آمد و روزي از هر سو به این شهر سرا زیر می‌شد، ولي باشندگان این سرزمین

ناسپاسی کردند، بنأدر مرحله اول به سراغ شان فقر آمد و در قدم بعدی خوف و بی‌امنی دامن شانرا فرا گرفت.

پروردگار با عظمت ما در (سوره ابراهیم/7) میفرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (اگر سپاس‌گزاری کنید، قطعاً بر شما می‌افزایم، و اگر ناسپاسی کنید، بی‌تردید عذاب سخت است.)

در این هیچ جای شک نیست که خداوند در برابر نعمت‌هایی که به ما می‌بخشد نیازی به شکر ما ندارد، و اگر دستور به شکرگزاری داده آن هم موجب نعمت دیگری بر ما و یک مکتب عالی تربیتی است.

شکران نعمت اینست که در قدم نخست باید بطور دقیق فکر کنیم بخشنده نعمت کیست؟ این توجه و ایمان و آگاهی پایه اول شکر است.

مرحله دوم شکران نعمت ادای به زبان است و مرحله سوم ادای شکر که از همه آن بالاتر است، مرحله عمل است.

در مجموع شکر عملی آن است که درست بیان‌دیشیم که هر نعمتی برای چه هدفی به ما داده شده است و آن را در مورد خودش صرف کنیم که اگر نکنیم کفران نعمت کرده‌ایم.

پیوند و مناسبت سوره قریش با سوره ی فیل:

مضمون و محتوای کلی سوره قریش با مضمون و محتوای سوره فیل چنان رابطه‌ی تنگاتنگی دارد که چنین به نظر می‌آید که این سوره بایستی بلافاصله پس از سوره فیل نازل شده باشد و همین مناسبت نزدیک باعث شده که برخی از عالمان سلف این هردو سوره را یک سوره بدانند.

روایت‌هایی که می‌گویند در مصحف ابی بن کعب این هردو سوره با هم نوشته شده‌اند و میان آن‌ها بسم الله هم نوشته نشده است و نیز این که یک بار عمر (رض) هم بدون هرگونه فاصله‌ای در نماز آن‌ها را با هم خوانده بود، این نظر را بیشتر تقویت می‌کنند. اما این نظر به این دلیل قابل قبول نیست که نسخه‌های رسمی‌ای که عثمان (رض) به کمک تعداد عظیمی از یاران رسول الله صلی الله علیه وسلم نوشت و به شهرهای بزرگ اسلامی مختلف فرستاد، در آن‌ها میان این دو سوره بسم الله نوشته شده بود و از همان زمان تاکنون این‌ها در تمام مصاحف دنیا به عنوان دو سوره‌ی جداگانه نوشته می‌شوند. افزون بر آن سبک بیان هردو سوره هم به قدری با هم تفاوت دارند که آن‌ها آشکارا دو سوره‌ی جداگانه به نظر می‌رسند.

بصورت باید گفت که: هر دو سوره نعمتها را به مردم مکه یادآوری می‌کنند: سوره‌ی فیل به نابودی دشمن اشاره بعمل آورده است، دشمنان که خواستند، بیت را تخریب کنند. این سوره هم نعمت اقتصادی و اجتماعی و همبستگی و پیوستگی میان آنان را در کوچ کردن دو فصل سال و غیره خبر می‌دهد.

سوره قریش، از جهت مفاهیم و درک مطلب به سوره‌ی فیل متعلق است: لیلای قریش؛ یعنی، خداوند فیلبانان را به خاطر انس و الفتی که قریش با هم داشتند، نابود کرد.

الله متعال، خانه‌ی خود را برای مردم شهر مکه، جای امن و آسایش قرار داد و از زورگویی زورگویان، مصونش داشت، همان گونه که اصحاب فیل را نابود و رسوای تاریخ کرد. قریشیان، خوب می‌دانستند که در سرزمین آنان، حرم امن و کعبه‌ی آمال قرار

دارد، حال آن که پیرامونشان، از گزند و دستبرد تباهاکاران و قدرت طلبان در امان نیست. (عنکبوت: 67) و غارت و کشتار و ظلم در میان سایر ملل، به عیان مشهود بود. پس باید، مردم قریش به خاطر همسایگی با حرم الهی که با اهم انس و الفت دارند و به راحتی در دو فصل از سال برای کسب انواع نیازمندیها و امکانات زندگی به یمن و شام می روند؛ خدا را بپرستند. خداوندگاری که نعمتشان داده و آنان را امنیت بخشیده است و در این سفرها به سرزمین دوردست، در امان اند و بیم و هراس ندارند. (سوره نحل آیات 112 الی 114).

پیش درآمد سوره قریش:

طوری که یادآور شدیم؛ این سوره درباره‌ی دو نعمت ارزشمند بحث بعمل آورده است که؛ الله متعال منت اعطای آن را بر اهل مکه داده است، آنجا که برای آنها دو سفر مقرر بود: سفری در زمستان به سوی یمن، و سفری در تابستان به سوی شام. و الله از فضل و کرم خود دو نعمت گرانقدر را به قریش عطا فرمود که عبارت بودند از امنیت و استقرار و ثروتمندی و آسایش: واضح است که: تأمین معیشت و امنیت جامعه، باید در مسیر بندگی و عبادت الله باشد. واضح است که: یکی از فلسفه‌های عبادت، همانا شکر مُنعم است. «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ.»

محتوای سوره قریش:

این سوره در حقیقت مکمل سوره «فیل» محسوب می شود و آیات آن دلیل روشنی بر این مطلب است.

محتوا این سوره بیان نعمت خداوند بر قریش و الطاف و محبت‌های اونسبت به آنهاست، تا حس شکرگزاری آنها تحریک شود و به عبادت پروردگار این بیت عظیم که تمام شرف و افتخار شان از آن است قیام کنند.

همان گونه که سوره «و الضحی» و سوره «الم نشرح» درحقیقت يك سوره محسوب میشود، همچنین سوره «فیل» و سوره «قریش» بمثابة یک سوره می باشند، چرا که پیوند مطالب آنها بقدری است که می تواند دلیل بر وحدت آن دو بوده باشد. سوره مبارکه قریش با تأکید بر اینکه قبیله قریش ابتدایی ترین نعمت اجتماعی، یعنی انسجام درونی و بقای قبیله خود را از خدای کعبه دارد، آنان را به شکرانه این نعمت به پرستش او دعوت میکند. در انتها برای نشان دادن اهمیت این نعمت، به پیامد های آن یعنی رهایی از گرسنگی و فشار اقتصادی و ایمنی از تهدید های خارجی اشاره می کند. این سوره به همه خوانندگان خود یاد آور می شود که آنان نیز همه نعمت های حیات فردی و اجتماعی خود را از لطف و تدبیر پروردگار خود دارند، از این رو باید او را بپرستند.

فضیلت تلاوت سوره قریش:

ابو الحسن قزوینی فرموده است که: هر گاه شخصی از دشمن یا هم از مصیبتی خطر داشته باشد، خواندن سوره «لایلف قریش» برای او، تا مین دادن او محسوب میشود امام جزری نقل فرموده است که: این عمل آزمون شده و مجرب است.

حضرت قاضی ثناء الله پس از نقل آن در تفسیر «مظهري» فرموده است که شیخ من حضرت میرزاجان جانان به من دستور فرموده است که به هنگام خوف و خطر این سوره را تلاوت نمایم، و فرموده است که: خواندن آن برای دفع هر مصیبت و بلا مجرب است، حضرت قاضی صاحب فرموده است که من بار ها آن را آزموده ام.

(معارف القرآن مؤلف دانشمند عالم اسلام حضرت علامه مفتي محمد شفيع عثمانی دیوبندی (رح) مترجم حضرت مولانا محمد یوسف حسین پور - سورہ القریش) ابن کثیر در تفسیر خویش فرموده است: هر کسی که موافق به این آیه عبادت خدا را انجام دهد خداوند برای او وسایل امنیت و بی خوف و خطر بودن را در دنیا فراهم می سازد، و هم چنین در آخرت، و هر کسی که از آن اعراض نماید، این هر دو امنیت از او سلب می گردند، چنان که در جایی دیگر از قرآن عظیم الشان می فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (سورة نحل 112) یعنی خداوند مثال یک روستایی را بیان فرمود که آن مأمون و محفوظ و از هر خطر مطمئن بود، رزق آن از هر طرف به وفور می آمد، سپس اهالی آن قریه به نعمت های الهی کفران نمودند، پس خداوند آنان را در اثر عملکردشان به گرسنگی و ترس مبتلا فرمود.

اسباب نزول سورة قریش: حاکم و غیره از ام هانی (رض) دختر ابو طالب روایت کرده اند: که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «الله تعالی قریش را به هفت خصلت برتری داده است (من از اینها هستم، نبوت، در بانی کعبه، آب رساندن بر ای حاجیان، پیروزی بر اصحاب فیل، عبادت خدا، اینها هفت سال خدا را عبادت کردند که در آن زمان هیچ گروهی این کار را نمی کرد و خدا یک سوره را تنها در مورد آنها نازل کرده است).

حاکم در ادامه حدیث بیان داشته است که این سوره در باره قریش نازل شده و از گروه دیگری در این سوره یاد نشده است.

قابل یاد آوری است که: حضور پیامبر صلی الله علیه وسلم در شهر مکه طی سیزده سال اقامت ایشان به منظور تبلیغ دین اسلام و اذیت و آزار آن حضرت توسط کفار قریش همراه با نزول سوره های مکی بوده است که خداوند از وقایع تاریخی مکه به منظور یادآوری نعمت و قدرت لایزال الهی یاد می کنند تا کافران مکه به توحید الهی و نبوت نبوی ایمان بیاورند.

خلاصه تفسیر:

قریش نام قبیله ای از قبایل عرب است و بیان کننده ی محور سوره می باشد. طوری که در فوق تذکر دادیم این سوره هم مکی بوده و محور آیاتش همان محور آیات سوره ی فیل است. محور سوره در رابطه با نقل و انتقالاتی است که این قبیله انجام می دادند و در نتیجه ی این نقل و انتقالات به بهره ها و نعمت هایی رسیدند و در قبال این نعمت ها باید شکر صاحب نعمت را به جای آورند. سپس بحث درباره نعمتی است که الله نصیب قریشیان کرد و شکر این نعمت و نعمت هایی که الله به بندگان خودش برحسب مقتضیات مکانی و زمانی و برحسب توان و استعداد افراد در هر عصری داده است. الله متعال هر جا در قرآن در مورد نعمتی صحبت می کند، به دنبال آن، کلمه ی: «فَلْيَعْبُدُوا» «پس عبادت کنید» را می آورد و از انسان می خواهد که با عبادت، شکر نعمت کند.

از اینکه مردم قریش به سفر زمستان و تابستان عادت کرده اند، پس (بخاطر شکر این نعمت) باید مالک این خانه کعبه را عبادت کنند، آن که به آنها در گرسنگی طعام داد، و از ترس آنها را در امان گذاشت.

ترجمه و تفسیر سُورَةُ الْقَرِيشِ

جزء - (30)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده و مهربان

لَا إِلَافَ قُرَيْشٍ ﴿١﴾ إِلَّا فِيهِمْ رَحْلَةُ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ﴿٢﴾ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ﴿٣﴾ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ﴿٤﴾

ترجمه مؤجز:

«لَا إِلَافَ قُرَيْشٍ» ﴿١﴾ به پاس الفت قریش.

«إِلَافِهِمْ رَحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ» ﴿٢﴾ (همان) الفت شان به سفر های زمستانی و تابستانی. «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ» ﴿٣﴾ پس (به شکرانه این نعمت بزرگ) باید پروردگار این خانه (کعبه) را عبادت کنند.

«الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» ﴿٤﴾ همان (پروردگار) که آنها را از گرسنگی نجات داد، و از ناامنی رهائی بخشید.

تشریح لغات و اصطلاحات:

«ایلاف» (الف): فراهم آوردن انس و الفت، الفت برقرار کردن. قریش: همان طور که گفتیم قریش قبیله‌ی معروفی و مشهوری در صدر اسلام بوده است. آنان از سلاله‌ی نضر بن کنانه‌اند و دارای چند قبیله‌ی مختلف هستند.

«رحله»: کوچ، سفر. رحله: اصلش از ماده‌ی رَحَلَ است، یعنی رفت. از جایی به جایی منتقل شد، کوچ کردن، چه کوچ زمانی و چه کوچ مکانی، به آن رحله می‌گویند. راحل یعنی کوچ کننده؛ مثلاً می‌گویند فلانی رحلت کرد، یعنی فوت کرد و معمولاً برای انسان‌های بزرگوار به کار برده می‌شود و اگر فاقد این جایگاه باشند، می‌گویند: فوت کرد و فرق است میان رحلت و فوت. «الشتاء»: زمستان. «الصيف»: تابستان. «فلیعبدوا»: پس باید بپرستند. «أَطْعَمَهُمْ»: آنان را خوراک و طعام داده است. (قصص / 57) «مِنْ جُوعٍ»: به جای گرسنگی. برای رفع گرسنگی. حرف (مِنْ) بدلیه یا تعلیلیه است (تفسیر: قاسمی).

یادداشت:

جار و مجرور لایلاف، به فعل محذوفی تعلق می‌گیرد: «إِعْجَبُوا لَإِیْلَافِ قُرَیْشٍ، یا به فعل فلیعبدوا تعلق می‌گیرد؛ یعنی من اجل تسهیل الله علی قریش ما الفوه و اعتادوه فی رحلتهم إلى الیمن فی الشتاء ورحلتهم إلى الشام فی الصیف، یا به مفهوم سوره‌ی پیشین - و جمله‌ی: فجعلهم کعصف... - تعلق دارد، که شَرُّ لَشکر ابرهه را از سر آنان برداشت و رستگار شدند.»

تقسیم بندی آیات سوره قریش:

آیات 1 و 2 سوره مبارکه توضیحی است پیرامون خصوصیت های بارز شخصیتی قریش به عنوان یک قبیله که حرکات و تلاش‌هایی برای رسیدن به مقاصد دنیایی خودشان دارند.

و آیات 3 و 4 بیان وظیفه‌ی قریش در این سوره که نسبت به همه‌ی انسان‌ها عمومیت دارد.

نعمت‌هایی که از طرف الله به آنها ارزانی داشته شده و اینکه باید از این نعمت‌ها بشکل نیکوترین، بهترین، مطلوب‌ترین وضعیت ممکن از آن استفاده‌ی کنند.

نقطه دیگری که در آیه‌ی 4 باید بیشتر به آن توجه شود، این است که بارزترین آفاتی که از لحاظ شخصی و شخصیتی یعنی از جنبه‌ی جسمی و جنبه‌ی روحی آرامش انسان‌ها را به هم می‌زند، و نیز معالجه این آفت‌ها معرفی می‌شوند. دو آفت عبارتند از آفت جوع و آفت خوف؛ گرسنگی در رابطه با بعد جسمی و مادی انسان‌ها و خوف و ترس در رابطه با بعد روحی و روانی انسان‌ها.

تفسیر سوره قریش:

لایلاف قریش (۱):

«ایلاف» مصدر است و به معنی الفت بخشیدن، و (الفت) به معنی اجتماع توأم با انسجام و انس و التیام است. برخی از مفسران در معنی «ایلاف» مینویسند که: «ایلاف»، الفت دادن امت و مقصود، الفت دادن میان خود قریشیان یا قبایل دیگر با ایشان بوده که خداوند بنا بر این، این سوره در دنبال سوره (فیل) قرار دارد و مضمون آن، این را ثابت می‌کند. طوری که در فوق تذکر دادیم برخی از مفسران در اصل این دو سوره را یکی دانسته‌اند. منظور از ایجاد الفت میان قریش و سرزمین مقدس مکه، و خانه کعبه است، زیرا آنها و تمام اهل مکه به خاطر مرکزیت و امنیت این سرزمین در آنجا سکنی گزیده بودند، بسیاری از مردم حجاز هر سال به آنجا می‌آمدند، مراسم حج را بجا می‌آوردند، و مبادلات اقتصادی و فرهنگی داشتند، و از برکات مختلف این سرزمین استفاده می‌نمودند.

همه اینها در امن و امنیت زندگی بسر می‌بردند، و یقین همین است که اگر کعبه به لشکر کشی ابرهه ویران و امنیت آن از بین میرفت دیگر کسی با این سرزمین الفتی پیدا نمی‌کرد. در آیه بعد می‌افزاید: هدف این بود که خداوند قریش را در سفرهای زمستانی و تابستانی الفت بخشد.

الفت قریش در کوچ‌های زمستانی و تابستانی ظاهر می‌شود. مقصود این است که این الفت به قریش امکان داد که بتوانند از کوچ‌های زمستانی و تابستانی خود نهایت بهره را ببرند. قریشیان برای تجارت در زمستان به طرف جنوب (یمن) و در تابستان به سمت شمال (شام) می‌رفتند. آنان در این سفرهای تجاری سود می‌بردند و از این راه امرار معاش می‌کردند.

«لایلاف قریش» «برای الفت دادن قریش» در برابر رسم جاهلیت که خونریزی و جنگ را ارزش می‌دانست، تکرار کلمه ایلاف و الفت، در این سوره مبارکه بیانگر لطف و رحمت الهی به قریش است. الفت دادن قریش قبیله پیامبر صلی الله علیه وسلم این بود که چون در دوران جاهلیت به سفرهای تجاری می‌رفتند، در راه مورد غارت و هجوم قبایل دیگر قرار نمی‌گرفتند زیرا اعراب می‌گفتند: قریش اهل خانه خدای عزوجل هستند و باید حرمت آنها را نگاه داشت. لذا الله عزوجل به قریش دستور داد تا به سبب الفت و امنیت که در دو سفر تجاری زمستانی و تابستانی خود از آن برخوردارند، خداوند را شکر بگزارند زیرا او هر دو سفر را مورد الفت آنان قرار داد و برایشان آسان گردانید.

الفت دادن به این معنی نیست که فقط انسانها فقط و فقط جسمشان را در کنار هم قرار دهند، بلکه ایجاد الفت در میان قلوب قریشیان، الفت در میان آحاد افراد جامعه در هر عصری

است. وقتی الله متعال این چنین الفت می‌دهد، نتیجه‌ی الفت‌های او وحدت صف است. تالیف قلوب و دل‌ها است و همدلی مکمل همفکری است. و با همفکری و همدلی است که انسان به بسیاری از مقامات و ارزش‌ها و کرامات دست می‌یابد. عاقل آن است که فکر کند پایان کار را. اما اگر پایان خیلی دور است، پس می‌گوییم عاقل آن است که اندیشه کند فردا را. درست است که الله متعال کریم است! اما پروگرام ما چیست؟ اگر قبل از خواب برای صبح برنامه‌ریزی نکنیم، صبح ما صبح خوبی نخواهد بود، باید هر شب قبل از خواب ارزیابی از عملکرد روزانه داشته باشیم و یک پروگرام خیر خواهانه و موافقانه برای فردا که چه باید بکنیم، سپس دعا کنیم و بگوییم: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ يَوْمَنَا خَيْرًا مِنْ أَمْسِنَا وَغَدْنَا خَيْرًا مِنْ يَوْمِنَا» که یا الله امروز را بهتر از دیروز بگردان و فردا را بهتر از امروز. البته بعد از ارزیابی این دعا را بخوانیم؛ زیرا دعای بدون تهیه‌ی اسباب مؤثر واقع نمی‌شود. الله برای چه، الفت‌دادن را انجام داد؟ برای همدل و همفکر کردن قریش. نصرت‌های الهی بسیار مبارک است. یکی از پیامدها و نتایج توفیق‌های الهی ایجاد همفکری، هم‌سویی و هم‌دلی در افراد یک مجتمع است.

إِبْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ﴿٢﴾:

هدف و منظور ایجاد الفت میان قریش و سایر مردم در طول این دو سفر بزرگ است، چرا که بعد از داستان ابرهه مردم با دیده دیگری به آنها مینگریستند، و برای کاروان قریش احترام و اهمیت و امنیت قائل بودند. قریش هم نیاز به این امنیت در طول راه داشت، و هم نیاز به آن در سرزمین مکه، و خداوند در سایه شکست لشکر ابرهه هر دو امنیت را به آنها بخشید. می‌دانیم زمین مکه باغ و زراعتی نداشت، زراعت آن نیز محدود بود، بیشترین درآمد از طریق همین کاروانهای تجاری تأمین می‌شد، در فصل زمستان به سوی جنوب یعنی سر زمین یمن که هوای آن نسبتاً گرم بود روی می‌آوردند، و در فصل تابستان به سوی شمال و سرزمین شام که هوای ملایم و مطلوبی داشت، و اتفاقاً هم سرزمین یمن و هم سرزمین شام از کانون‌های مهم تجارت در آن روز بودند، و مکه و مدینه حلقه اتصالی در میان آن دو محسوب می‌شد.

«الفت شان هنگام سفر زمستان و تابستان» سفر زمستانی قریش به سوی یمن بود زیرا سرزمین یمن گرمسیر است و سفر تابستانی آنان به سوی شام؛ زیرا شام سرزمینی است سردسیر.

شایان ذکر است که قریش در مکه به وسیله تجارت زندگی می‌گذرانند پس اگر این دو کوچ تجاری نمی‌بود، امکان اقامت در مکه برایشان وجود نداشت و اگر مجاورت شان در کنار خانه کعبه وسیله تأمین امنیت‌شان نمی‌شد، آنان قادر به انجام هیچ‌گونه کار و فعالیت‌هایی نبودند.

محمد بن اسحاق تصریح می‌کند که این سوره به ماقبل خود متعلق است زیرا معنی در نزد وی این است: ما برای الفت دادن قریش و حفظ اجتماع ایمن و مطمئن شان در شهر مکه و الفت شان در سفرهایشان، فیل را از مکه بازداشته و اصحاب فیل را نابود کردیم.

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ﴿٣﴾:

«پس باید پروردگار این خانه را عبادت کنند» یعنی: اگر قریش حق تعالی را به خاطر سایر نعمت‌هایش به یگانگی پرستش نکردند، باید او را به خاطر این نعمت مخصوص

که ذکر شد، پرستش کنند. اعلام این حقیقت به قریش از سوی خدای سبحان که او پروردگار خانه کعبه است، در واقع اعلام بیزاری وی از بتان است زیرا قریش بتان را پرستش می‌کردند لذا حق تعالی آنان را متوجه این حقیقت گردانید که به وسیله این خانه که پروردگار آن لاشریک است، بر سایر اعراب شرف و برتری پیدا کرده‌اند پس باید از کفران نعمت بپرهیزند و شرک نیاورند. امام رازی می‌گوید: «بدان که نعمت دادن بر دو قسم است؛ یکی: با دفع نمودن ضرر و دیگری با جلب نمودن منفعت؛ و از آنجا که دفع ضرر از جلب منفعت مهمتر و مقدم تر است، بدین جهت خداوند نعمت دفع ضرر را در سوره فیل و نعمت جلب منفعت به‌سویشان را در این سوره ذکر کرد و با توجه دادن شان به این دو نعمت عظیم، آنان را به عبادت خویش فرمان داد تا این عبودیت، شکری در برابر این نعمت‌ها باشد.

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ﴿٤﴾

همان خدایی که از گرسنگی نجاتشان داد و برای خوردن، غذا نصیب شان کرد» یعنی: حق تعالی قریش را به سبب آن دو سفر غذا داد و آنان را از گرسنگی شدیدی که در آن به‌سر می‌بردند، رهانید «و از بیم و ترس در امان شان گردانید» زیرا در آن زمان اعراب یک‌دیگر را غارت کرده و به‌اسارت می‌گرفتند اما قریش به سبب مجاورت خانه خدا از این حملات و غارتگریها در امان بودند چنان که حق تعالی آنان را از ترس هجوم سپاه حبشه و لشکر فیل نیز در امان داشتند پس باید به شکر این همه نعمت، فقط او را به عبادت یگانه گردانند و بجز او، بتان را شریک و هم‌تا قرار نداده و به پرستش نگیرند. این امنیت طوری که پروردگار با عظمت در (آیه 67 سوره عنکبوت) می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَ يُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَ فَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَ يَنْعَمَ اللَّهُ يَكْفُرُونَ - 67» (آیا ندیدند که ما حرمی امن قرار دادیم و حال آن که مردم از اطرافشان ربوده می‌شدند؟! پس آیا به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت خداوند کفر می‌ورزند؟). و این امنیت، آسایش و رفاه نتیجه‌ی دعای پدر آنان، حضرت ابراهیم علیه السلام می‌باشد که دعا کرد: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ أَرْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ - 126 بقره». پس آیا بر قریش واجب نیست که تنها خداوندی را پرستش کنند که آنان را از گرسنگی نجات داد و بیم و هراس آنها را به امنیت و آسایش تبدیل کرد؟!!

مفسر ابن‌کثیر فرموده است: «بدین جهت است که هر کس به این فرمان الهی لبیک گفت، امنیت دنیا و آخرت هر دو برایش جمع شد و هر کس این فرمان حق تعالی را عصیان کرد، هر دو امنیت از وی سلب گردید چنان که آیات (112 113) از سوره نحل بر این معنی ناظر است». در حدیث شریف به روایت اسماء بنت یزید بن سکن انصاری رضی‌الله عنها آمده است که رسول الله صلی‌الله علیه وسلم سوره: «لَا يَلْفِ قُرَيْشٍ...» را تلاوت نموده سپس فرمودند: «ای گروه قریش! وای بر شما! پروردگار این خانه را عبادت کنید که شما را از گرسنگی اطعام و از ترس و هراس در امان گردانید».

سفر زمستانی و بهاری قریش:

این امر معروف و معلوم است که سر زمین مکه مکرمه در جای موقعیت دارد که نه در آنجا مزرعه است و نه در آنجا باغ سر سبز و میوه، که اهل مکه از آن استفاده نمایند، بنابراین حضرت خلیل الله بانی بیت الله، هنگام آباد شدن مکه به اهل مکه به بارگاه خداوند متعال چنین دعا فرمود: این شهر را جای امنی قرار بده، و به اهل مکه از ثمرات

رزق عطا بفرما، «ارزق اهله من الثمرات» که هر نوع میوه از بیرون آورده شود، «يجبي اليه ثمرات كل شي ء» بنابر این، مدار معیشت و زندگی اهل مکه بر این بود که آنها به خاطر تجارت به مسافرت بروند و از آنجا ضروریات خود را بیاورند. بناً معمول طور بود که اهالی مکه در طول سال دو بار به سفر می پرداختند، سفر اول آن سفر تابستانی که به شام (سوریه فعلی) مسافرت می کردند و امتعه خویش را بفروش می رساندند، و سفر دومی شان در طول سال در ماه ای زمستان بود که مردم قریش به سوی یمن می رفتند، و معمولاً محصولات غرب آفریقا و آسیای دور را خرید می کردند و نا گفته نماند که مردمان شام و مردم یمن به مردمان مکه و بخصوص قریشی ها به احترام خاصی می نگرستند.

پروردگار با عظمت ما به قریش یاد آوری می کند که این همه نعمت را به این قوم ارزانی نمودم، مهمترین این نعمت دین مقدس اسلام و نبوت پیامبر صلی الله علیه وسلم بود. در حالیکه قبل از اعطای این دو نعمت مصروف بت پرستی و در جاهلت میزیستند.

پروردگار کعبه:

مراد از بیت «علي الاطلاق» کعبه است که توسط ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) بنا شده است و این خود نعمت بزرگی است که مردم قریش از آنها بهره مند بودند و سفر آنان به ناحیه شمال و جنوب مکه برای تجارت و بزرگی آنان در چشم سایر ملت ها نعمت دیگری است که خداوند به آنان ارزانی داشته است، اما جای تعجب اینجاست که با توجه به نعمت های گذشته و نعمت اسلام، آنان به جای عبادت پروردگار به پرستش بت های سنگی و چوبی می پرداختند. خداوند بزرگ و صاحب کعبه همان خدایی است که قریش را از گرسنگی سیر گردانید و آنان از خوف و ترس ایمن ساخت. آنچه که از تاریخ مکه واضح و مبرهن است این که، مکه از خطرهای تجاوز بیگانگان و بلاهای زمینی و آسمانی مصون مانده است و این به خاطر همان نعمت عظیم نبوت است که از ازل خداوند در منطقه مکه مقرر فرمودند.

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که: «حق تعالی از فرزندان اسماعیل، بنی کنانه، را برگزید و از بنی کنانه قریش، را و از قریش، هاشم و از هاشم مرا برگزید و این خانواده و شخص پیامبر صلی الله علیه وسلم نعمت بزرگ و بی بدیلی بودند که خداوند به قوم قریش ارزانی داشت».

پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیثی میفرماید: خداوند از همه فرزندان حضرت اسماعیل علیه سلام کنانه را و سپس از کنانه قریش و بعد از قریش بنی هاشم و سپس از بنی هاشم محمد صلی الله علیه وسلم را برگزید. (البغوي عن وائله بن الاسقع).

همچنان در حدیثی دیگری میفرماید: همه مردم در خیر و شر تابع قریش هستند (رواه مسلم عن جابر، مظهري). علت برگزیدن خداوند که در حدیث اول بیان گردیده است غالباً این است که قبایل از ملکات و استعداد خاصی برخوردارند، در زمان کفر و شرک و جاهلیت هم آنها بعضی اخلاق و ملکات فوق العاده داشتند، استعداد قبول حق در آنها بسیار کامل بود، از اینجاست که صحابه کرام و اولیاء الله از گذشته اند (مظهري) جد اعلاي پیامبر «هاشم بن عبدمناف» اولین کسی بود که تجارت به شام را جهت امتعه و ارزاق گسترش داد و بعد از او قریش به طور وسیع به کار تجارت پرداختند. نام اصلی هاشم «عمرو العلاء» بود و چون به هنگام قحطی و تنگدستی محرومان اطعام مساکین

می‌کرد و نان های خشک را شکسته و در آب گوشت های فراوان ترید می‌کرد هاشم نام گرفت.

معلومات مؤجز در مورد قریش:

قبل از همه باید گفت که: قریش، نام مجموعه قبایلی از نسل نضر بن کنانه است که از صیغه تصغیر «قرش» برگرفته شده زیرا قرش حیوان بزرگ جنه‌ای از آبیان (نوع ماهی) است که به کشتی‌ها حمله و ر می‌شوند. قبیله قریش را از آن روی به حیوان قرش تشبیه کردند که آن حیوان، جانداران آبی دیگر را می‌خورد در حالی که خود از دریده شدن مصون و بردیگران چیره است و کسی بر آن غالب شده نمی‌تواند. ولی مفسر ابو حیان می‌فرماید: «وجه نامگذاری قریش به این نام این است که تقریش به معنای تجمع است و قریش بعد از آن که پراکنده بودند، جمع شدند و قصی بن کلاب آنان را در حرم جمع کرد».

برخی از مفسرین فرموده اند که: لفظ قریش از تقریش به معنی مجتمع ساختن مأخوذ است چون قصی افراد پراکنده این قبیله را جمع کرده است قبیله او به این نام موسوم شده اند. و بعضی قریش را از «قرش» به معنی تجارت که شغل عمده آنها بوده مشتق میدانند. طوری که در فوق تذکر دادیم سر زمین مکه فاقد تولید بود. نه زمین قابل کشتی داشت، و نه کالا که خود مصرف کنند و به دیگران عرضه نمایند.

از این روز باشندگان مکه به کار و بار تجارت و سوداگری اشتغال داشتند و زندگی خود را با وارد ساختن نیازمندی های خویش از خارج تامین می نمودند.

وجود مکه و تقدسی که در میان قبایل عرب جاهلی داشت، و منطقه حرم که جایگاه امنی بود، و رفت و آمد قبائل عرب از نقاط مختلف عرب نشین به مکه چه برای پرستش بت های خود و چه به منظور شرکت در مراسم سالانه حج که در ماه رجب و ذی حجه انجام می‌گرفت، زمینه خوبی برای تجارت تجار عرب و مبادلات تجاری آنها بود.

تجارت حجاز تقریباً در اختیار مردم قریش یعنی مردم مکه و اشراف طائف بود. تجارت قریش با فلسطین و سوره (شامات) در شمال، و با یمن در جنوب بود، و گاهی تجار از راه بحر به حبشه، و از راه نجد به حیره (عراق) تا مدائن بود، حتی با روم و مصر و هند هم رابطه تجاری داشتند.

تجار مکه تابستان ها به شمال می رفتند که آب و هوایی خوش داشت، و زمستان ها که هوا سرد بود، راهی جنوب می شدند.

تاجران قریش در سفرهای تجاری خود از بیابان های هولناک و مخوف می‌گذشتند، و صد ها فرسخ راه را می پیمودند. بیابان ها و دشت های سوزان که در همه جای آن سکوت مطلق حکم فرما بود. نه راهی، نه آبی و درختی، و نه آبادی و نه تعمیر.

فقط هنگام سفر به شمال یا بازگشت از آنجا از «خیبر» و از شهر «مدینه» عبور می کردند، و در موقع سرازیر شدن به جنوب «طائف» واقع در دوازده فرسخی مکه را می دیدند، و بعد هم وادی «تهامه» و نقطه مسکونی آنجا را.

در سمت چپ حرکت آنها هنگام بیرون رفتن از شهر مکه سواحل «بحر احمر» و دریای سرخ، و در سمت غرب، دشت های بی‌کران و سوزان و کوه ها و دره های مخوف فراوان وجود داشت، و آن طرف‌تر خلیج فارس، و در جنوب دریای عمان واقع بود.

تجار مکه در سفرهای تجاری خود، از وجود اعراب بدوی که به خوبی از راه های صحرا و منازل میان راه آگاه بودند، برای راهنمایی و حمایت کاروان های خود استفاده میکردند.

تجارت قریش در بازار های دهگانه آنها در نقاط مختلف عربستان از شمال یعنی شامات تا جنوبی ترین نقطه عربستان یعنی یمن و حضرموت انجام می گرفت. اعراب در «اسواق» و بازار های خود ضمن تجارت و مبادله کالای خود، به مفاخرت قبیله ای و خودنمایی و ارائه جنبه های مادی و معنوی خویش می پرداختند. این مفاخرت ها ضمن اشعار دلکش آنان و خطابه های پر شورشان، به خوبی نمایان بود. معروف ترین این بازار های فصلی، «سوق عکاظ» بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز در ایام جوانی، در آن شرکت داشته است.

مشهور ترین اسواق قریش:

«سوق» در زبان عربی به معنای بازار و جمع آن «اسواق» است. اسواق عرب، ده بازار بزرگ و همگانی فصلی بوده که در زمان جاهلیت یعنی دوران پیش از ظهور اسلام در نقاط مختلف عربستان شهرت داشت. در حقیقت عرب را می توانستند در این بازار ها شناخت.

اسواق عرب پس از مراسم حج آنها که در ماه رجب و ذی الحجه در مکه و عرفات و مناجالم میگرفت، و شعار بزرگ قبائل عرب بود، مهمترین مراسم و کنگره بزرگ آنها در ماه های مختلف سال به شمار میرفت.

محل برگزاری بازار های دهگانه عرب در کشور کنونی اردن، یمن، عدن، حضرموت، بحرین، مسقط و عمان و نجد یعنی عربستان کنونی بود.

در این قلمرو وسیع شبه جزیره تقریباً از مجموع قبائل عرب اعم از بت پرست و نصرانی و یهودی و ستاره پرست و پیروان سایر ادیان و عقاید خرافی، از شام و عراق و یمن و بحرین و سواحل خلیج فارس و نجد و یمامه و تهامه و حجاز شرکت می جستند. برنامه کار آنها و شرکت در این بازار ها این بود که از ماه ربیع الاول آغاز میگردد تا در ماه ذی الحجه پس از شرکت در آخرین بازار ها بتوانند به مکه بیایند و در مراسم حج حضور یابند و بعد از پایان موسم به میان قبایل خود، بازگردند.

بنابر این قبایل عرب در دوره سال شخصیت و منافع مادی و معنوی خود را بدین گونه تامین میکردند. این غیر از سفرهای تجاری عرب به یمن و شام و فارس و حبشه و دیگر نقاط بود. تجار عرب کالاهای خود را که از این کشورها می آوردند اغلب در اسواق دهگانه خود عرضه می کردند و بقیه شرکت کنندگان نیز آنها را با محصولات خود مبادله مینمودند.

یعقوبی مورخ مشهور «بازارهای دهگانه عرب را که در آنها برای مبادله تجاری و داد و ستد خود اجتماع می کردند، و سایر مردم هم در آنها گرد می آمدند، و بدان وسیله از تامین خون و مال خود برخوردار میگشتند» بدین سان شرح می دهد:

- 1 - یکی از بازار های دهگانه عرب در دومة الجندل در ماه ربیع الاول برگزار میشود. رؤسای این بازار از دو قبیله غسانی و بنی کلب بودند.
- 2 - بازار مشقر واقع در هجر در بحرین بود که در ماه جمادی الاولی گشایش می یافت، و قبیله بنی تمیم آن را برگزار می نمود.

3 - بازار صحار (شهری واقع در کنار بحر در مسقط و عمان) در اولین روز ماه رجب افتتاح می شد.

4 - بازار ریا عرب از بازار صحار سرازیر می شدند به بازار ریا، و آل جلندی حکمرانان آنجا از آنها مالیات می گرفتند.

5 - بازار شحر (در ساحل بحر هند در خاک یمن در سر زمین مهره) بازار آنجا در سایه کوهی که قبر حضرت هود (علیه السلام) در آن واقع است، به وسیله اعراب مهره برگذار میشد.

6 - بازار عدن در روز اول ماه مبارک رمضان برگذار می گردید، و تجار از آنجا عطریات به سایر نقاط می بردند.

7 - بازار صنعاء در نیمه ماه مبارک رمضان افتتاح می شد.

8 - بازار رابیه در حضر موت در جنوب یمن برگذار می گردید.

اعراب با محافظ به آنجا می رفتند. زیرا حضر موت مملکت نبود، و قبیله کنده آن را برگذار می نمودند و به حفاظت از آمد و رفت مردم برمی خواست.

9 - بازار عکاظ واقع در بالای سرزمین نجد بود. عرب در ماه ذی القعدة در بازار عکاظ اجتماع می کردند. در این بازار قریش و سایر قبائل عرب گرد می آمدند، و بیشتر آنها اعراب مضری بودند. در بازار عکاظ بود که قبایل عرب اقدام به مفاخرت می نمودند.

10 - بازار ذی المجاز عرب از بازار عکاظ و ذی المجاز برای شرکت در مراسم به سوی مکه سرا زیر میشدند. مشهورترین این بازارها که در تاریخ اسلام از آن سخن رفته است همان بازار عکاظ بود. چون تمام قبائل پس از شرکت در بازارهای دیگر در آخر به «سوق عکاظ» می آمدند و در آنجا بود که به مفاخرت و ایراد شعر و خطابه و شناسائی و شناساندن خود می پرداختند. پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز در این بازار حضور یافته بود و پس از اعلام نبوت و شرکت و دیدنی های خود در بازار عکاظ یاد میکرد.

به طور خلاصه قبائل عرب از شمال و غرب برای شرکت در بازارهای خود به حرکت در می آمد و سر انجام بیشتر آنها (غیر از یهودیان و نصرانی ها و ستاره پرستان) وارد مکه می شدند، و پس از شرکت در موسم و طواف خانه کعبه و زیارت بعضی از بتهای خود به اوطان خویش باز میگشتند. (تاریخ یعقوبی - جلد 1)

دروس حاصله از سوره قریش:

امام فخر رازی مفسر کبیر جهان اسلام فرموده است: باید بدانید که نعمت دو نوع است: یکی عبارت است از دفع ضرر که الله متعال آن را در سوره فیل بیان کرد. دوم عبارت است از جلب نفع که آن را در این سوره بیان کرده است. و بعد از این که الله متعال ضرر را از آنها دفع کرد و نفع را برایشان جلب نمود، که دو نعمت بزرگ به شمار می آیند، به آنها دستور داد عبادت وی را به جای آورند و در مقابل نعمت هایش او را سپاسگزار باشند.

- بیان مظاهر تدبیر، حکمت و رحمت الله متعال.

- یاد آوری نعمتها به مردم قریش و بیان فضل و انعام الله متعال بر قریش که موجب شکر پروردگار بود، ولی وقتی آنان در مقابل آن نعمت ناسپاس شدند، الله لباس گرسنگی و خوف را به خاطر ترک شکر بر آنان پوشاند.
- فقط عبادت و بندگی الله متعال واجب است و عبادت و غیر الله قطعاً جایز نیست.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست موضوعات و مطالب سوره القریش

شماره	نام سوره	معانی و محتوای سوره ها	صفحه
	سُورَةُ الْقُرَيْشِ	- ایلاف = الفت دادن .	
1		- محتوای سوره قریش: این سوره به نعمت هایی اشاره دارد که خداوند به قریش ارزانی داشته و در نهایت آنان را به سپاس گزاری و عبادت پروردگار دعوت می نماید.	
2		- وجه تسمیه.	
3		- زمان نزول سوره القریش .	
4		- تعداد آیات ، کلمات و حروف سوره قریش .	
5		- پیوند و مناسبت سوره قریش با سوره ی فیل .	
6		- پیش درآمد سوره قریش	
7		- محتوای سوره قریش .	
8		- فضیلت تلاوت سوره قریش .	
9		- تشریح لغات و اصطلاحات.	
10		- تقسیم بندی آیات سوره قریش .	
11		- ترجمه و تفسیر سوره قریش.	
12		- سفر زمستانی و بهاری قریش.	
13		- پروردگار کعبه .	
14		- معلومات مؤجز در مورد قریش.	
15		- مشهور ترین اسواق قریش .	
16		- دروس حاصله از سوره قریش .	

مکئی بر بعضی از منابع و مأخذها

1- تفسیر صفوة التفاسیر:

تألیف محمد علی صابونی (مولود 1930 م) این تفسیر در سال 1399 ق نوشته شده است. نویسنده در تدوین این تفسیر از مهم‌ترین و معتبرترین کتب تفسیر از جمله: تفسیر طبری، کشاف، قرطبی، آلوسی، ابن کثیر، البحر المحیط و... استفاده بعمل آورده است.

2- تفسیر انوار القرآن:

تألیف عبدالرؤف مخلص هروی. «تفسیر انوار القرآن» گزیده ای از سه تفسیر: فتح القدیر شوکانی، تفسیر ابن کثیر و تفسیر المنیر و هبه الزحیلی می باشد. سال نشر: 1389 هجری قمری - محل نشر: احمد جام - افغانستان

3- تفسیر المیسر:

تألیف: دکتر عایض بن عبدالله القرني (اول جنوری 1959 م مطابق 1379 هجری) انتشارات: شیخ الاسلام احمد جام سال چاپ: 1395 هـ.

4- تفسیر کابلی

تفسیر کابلی (ترجمه فارسی ترجمه عثمانی) مفسر: شیخ الإسلام حضرت مولانا شبیر احمد عثمانی رحمه الله علیه، مترجم: شیخ الهند حضرت مولانا محمود الحسن رحمه الله علیه، ترجمه دری / فارسی: جمعی از علمای افغانستان.

5- تفسیر معالم التنزیل - بغوی:

تفسیر البغوی تألیف حسین بن مسعود بغوی (متوفی سال 516 هجری قمری) این تفسیر به زبان عربی نوشته شده، و از تفسیر الکشف والبیان ثعلبی بسیار متأثر می باشد.

6- تفسیر زاد المسیر فی علم التفسیر:

تألیف: ابن جوزی ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (510 هجری / 1116 میلادی - 12 رمضان 592 هجری) «زاد المسیر فی علم التفسیر» مشهور به «زاد المسیر»، تفسیر متوسط ابن جوزی میباشد که: این تفسیر خلاصه از تفسیر بزرگ وی بنام المغنی فی تفسیر القرآن می باشد.

7- البحر المحیط فی التفسیر القرآن: ابو حیان الأندلسی:

تألیف: محمد بن یوسف بن علی بن حیان نفری غرناطی (654 - 745 ق) مشهور به ابو حیان غرناطی. تفسیر «البحر المحیط» به زبان عربی می باشد. وی به تحقیق پیرامون کلمات هر آیه و اختلاف ترکیب ها و بلاغت، توجه خاصی مبذول داشته است.

8- تفسیر تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر:

تفسیر القرآن العظیم: تألیف عماد الدین اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (متوفی 774 ق) مشهور به ابن کثیر. که از علماء ممتاز و محقق قرن هشتم به شمار می آید. (جلال الدین سیوطی، مفسر و قرآن‌شناس بزرگ اسلامی می فرماید: ابن کثیر تفسیری دارد، که در سبک و روش همانندش نگاشته نشده است).

9- تفسیر بیضاوی:

یا «انوار التنزیل و أسرار التاویل، مشهور به «تفسیر بیضاوی» تألیف شیخ ناصرالدین

عبد الله بن عمر بضاوی (متوفی سال 791 هـ) در قرن هفتم هجری این تفسیر به زبان عربی تحریر یافته است. ودرسال (1418 ق یا 1998م) دار إحياء التراث العربي - بیروت - لبنان بچاپ رسیده است .

10- تفسیر الجلالین « التفسیر الجلالین »:

جلال الدین محلی و شاگردش جلال الدین سیوطی (وفات جلال الدین محلی سال 864 و وفات جلال الدین سیوطی سال 911 هـ) (سال نشر: 1416 ق یا 1996 م .
ناشر: مؤسسة النور للمطبوعات مکان نشر: بیروت - لبنان) این تفسیر در قرن دهم هجری بزبان عربی واز معدود تفاسیری است که توسط چند عالم نوشته شده باشد.

11- تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن - تفسیر طبری:

علامه أبو جعفر محمد بن جریر بن یزید طبری متولد (224 وفات 310 هجری قمری) در بغداد ویا (839 - 923 میلادی) (قرن 4 قمری، ناشر: دار المعرفة ، محل نشر: بیروت) شیخ طبری یکی از محدثین ، مفسر ، فقهی ومؤرخ مشهور سده سوم قمری است.

12- تفسیر ابن جزى التسهیل لعلم التنزیل:

تألیف محمد بن احمد بن جزى غرناطی الکلبي مشهور به جُزَى (متوفی 741ق)
(ناشر: شركة دار الأرقم بن أبیالأرقم ، بیروت - لبنان) یکی از موجزترین و در عین حال مفیدترین و فراگیرترین تفاسیر مغرب اسلامی است.

13 - تفسیر ابو السعود:

«تفسیر إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم» تألیف: مفسر شیخ ابوالسعود محمد بن محمد بن مصطفى عمادی (متوفی 982) از علمای ترک نژاد می باشد.(محل طبع مکتبه الرياض الحديثه بالرياض) .

14- تفسیر فی ظلال القرآن:

تألیف: سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی (متوفی سال 1387 هـ) .
سال نشر 1408ق یا 1988 م. ناشر: دار الشروق، مکان نشر ، بیروت - لبنان

15- تفسیر الجامع لاحکام القرآن - تفسیر القرطبی:

نام مؤلف: عالم ومحقق مشهور اندلس (اسپانیا) علامه ابو عبد الله محمد بن احمد بن بکر بن فرح القرطبی (متوفی سال 671 هجری) هدف اساسی وی از تألیف این تفسیر استنباط احکام ومسائل فقهی از قرآن کریم بوده است .

16- تفسیر معارف القرآن:

مؤلف: حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا شیخ الحدیث حضرت مولانا محمد یوسف حسین پور.

17- تفسیر خازان:

نام تفسیر: « لباب التأویل فی معانی التنزیل (تفسیر الخازان » تألیف: علاء الدین علی بن محمد بغدادی مشهور به الخازان (متولد ۶۷۸ و متوفای ۷۴۱ هجری می باشد).

18- روح المعانی (الوسی):

تفسیر «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم» اثر محمود أفندی آلوسی است. (1217 - 1270ق) سال نشر: 01 ینایر 2007 محل نشر ،ادارة الطباعة المنيرية تصوير دار إحياء التراث العربي.

19- جلال الدين سيوطي:

«الاتقان في علوم القرآن» تفسير الدار المنثور في التفسير با لمأثور « مؤلف: حافظ جلال الدين عبد الرحمن بن ابى بكر سيوطى شافعى . (1445- 1505م) مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف 1426 هـ المدينة المنوره

20- زجاج: « تفسير معانى القرآن فى التفسير»:

مؤلف: الزَّجَّاج أو أبو إسحاق الزَّجَّاج أو أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن السرى بن سهل الزجاج البغدادي است. (241 هجرى - 311 هجرى 855 - 923 ميلادى)

21- تفسير ابن عطية:

نام كامل تفسير: « المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز ابن عطية» بوده مؤلف آن: أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الأندلسي المحاربي (المتوفى: 542هـ) سال نشر: سنة النشر: 1422 – 2001 ، دار ابن حزم.

22- تفسير قتادة:

أبو الخطاب قتادة بن دعامة بن عكابة الدوسى بصرى (61 هـ - 118 هـ ، 680 - 736 م) .وى از جمله تابعين بوده ، كه در علوم لغت ،تاريخ عرب ، نسب شناسى، حديث، شعر عرب، تفسير، دسترسى داشت .ودر ضمن حافظ بود ، در بصره عراق زندگى بسر برده ولى نابينا بود.امام احمد حنبل درباره او مى گويد: «او با حافظه ترين اهل بصره بود و چيزى نمى شنيد مگر اينكه آن را حفظ مى كرد، من يك بار صحيفه جابر را براى او خواندم و او حفظ شد.» حافظه او در طول تاريخ ضرب المثل بود. او در عراق به مرض طاعون در گذشت.

23- تفسير كشاف مشهور به تفسير زمخشرى.

« تفسير الكشاف عن حقايق التنزيل و عيون الاقوايل فى وجوه التأويل» مشهور به تفسير كشاف. مؤلف: جارالله زمخشرى (27 رجب 467 - 9 ذىحجه 538 هـ) اين تفسير براى بار اول در سال: 1856 ميلادى در دو جلد در كلكته بچاپ رسيد ، سپس در سال 1291 در بولا ق مصر ، ودر سالهاى 1307، 1308، و 1318 در قاهره به چاپ رسيده است. محل نشر: انتشارات دار إحياء التراث العربى.

24- تفسير مختصر:

تفسير ابن كثير: مؤلف: ابو جعفر محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب طبرى مشهور به جرير طبرى متولد 224 وفات 310 هجرى قمرى در بغداد (218 - 301 هجرى شمسى . تاريخ طبرى مشهور به پدر علم و تاريخ و تفسير است . سال طبع هفتم : 1402 هـ - 1981 م - محل طبع : دار القرآن الكريم، بيروت - لبنان.

25- مفسر صاوى المالكي :

«حاشية الصاوي على تفسير الجلالين فى التفسير القرآن الكريم» مؤلف : احمد بن محمد صاوى (1175-1241ق) است. سال ومحل طبع : : بالمطبعة العامرة الشرفية سنة 1318 هجرية.

26- سعيد حوى :

حوى، سعيد، حوى، سعيد، مفسر « الاساس فى التفسير(يازده جلد؛ قاهره 1405)، كه از

مهمترین و اثرگذارترین آثار حوی به شمار می‌آید.
سال نشر : 1424 ق یا 2003 م ، محل نشر قاهره - مصر موسسه دار السلام

27- تفسیر کبیر فخر رازی:

تفسیر فخر رازی مشهور به تفسیر کبیر، شیخ الإسلام فخرالدین رازی (544 هـ - 606 هـ) تفسیر کبیر مهمترین و جامعترین اثر فخر رازی و یکی از چند تفسیر مهم و برجسته قرآن کریم به زبان عربی است .

28- تفسیر سدی کبیر :

تفسیر سدی کبیر اثر «ابومحمد اسماعیل بن عبدالرحمان»، معروف به سدی کبیر، متوفای ۱۲۸ هجری قمری از مردم حجاز است که در کوفه می‌زیست. وی مفسری عالی‌قدر و نویسنده‌ای توانا در تاریخ، بخصوص درباره‌ی غزوات (جنگ‌های) صدر اسلام است. از تفسیر او به نام «تفسیر کبیر» یاد می‌شود که از منابع سرشار تفاسیری است که پس از وی به رشته‌ی تحریر در آمده است. «جلال الدین سیوطی» به نقل از «خلیلی» می‌گوید: سدی، تفسیر خود را با ذکر سندهایی از «ابن مسعود» و «ابن عباس» نقل کرده است و بزرگانی چون «ثوری» و «شعبه» از او روایت کرده‌اند.

29- تفسیر المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز:

مؤلف: ابومحمد عبدالحق بن غالب بن عبدالرحمن بن غالب محاربی معروف به ابن عطیه اندلسی (481 - 541 هجری)

30 - تفسیر فرقان

تألیف: شیخ بهاء الدین حیسنی

31 - کتاب حاشیة محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی

نویسنده : شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی

زبان : عربی

ناشر : دار الکتب العلمیة

سایر نویسندگان : نویسنده: بیضاوی، عبدالله بن عمر - مصحح: شاهین، محمد عبدالقادر - نویسنده: شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی .

32 - تفسیر گلشاهی

مؤلف: دکتر آناتواق آخوند گلشاهی

موضوع: ترجمه و تفسیر کامل قرآن کریم

33 - کتاب حاشیة محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی

نویسنده : شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی

زبان : عربی

34 - تفسیر مجاهد

تفسیر مجاهد، اثر ابوالحجاج مجاهد (21 - متوفی 102 یا 103 یا 104 یا 105 ق) فرزند جبر و یا جبیر مکی مخزومی از مفسران تابعین و علمای علوم قرآنی است.

35- فیض الباری شرح صحیح البخاری:

داکتر عبد الرحیم فیروز هروی، سال طبع : 26 Jan 2016

36- صحیح مسلم - و صحیح البخاری:

گردآورنده : مسلم بن حجاج نیشاپوری مشهور به امام مسلم که در سال 261 هجری قمری وفات نمود. وگرد آورنده صحیح البخاری : حافظ ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه بخاری (194 - 256 هجری)

37- تفسیر نور دکتور مصطفی خرم دل:

نام کامل تفسیر نور: «ترجمه معانی قرآن» تألیف: دکتور مصطفی خرمدل از کردستان: (متولد سال 1315 هجری، وفات 1399 هجری).

38- مفردات الفاظ القرآن:

از راغب اصفهانی. (خیر الدین زرکلی در کتاب «الأعلام» گفته : او اهل اصفهان بود اما در بغداد سکونت گزید، ادیب مشهوری بود، و در سال 502 هجری قمری وفات کرد». امام فخرالدین رازی در کتاب «تأسیس التقدیس» در علم اصول ذکر کرده که راغب از ائمه اهل سنت است و مقارن با غزالی بود. (بغیة الوعاة 2 / 297 ، وأساس التقدیس صفحه 7.)

39- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم:

شیخ حسنین محمد مخلوف (751 هـ - 812 ق) ، اسباب نزول، علامه جلال الدین سیوطی ترجمه: از عبد الکریم ارشد فاریابی. (انتشارات شیخ الاسلام احمد جام)

ترجمه و تفسیر «سوره القریش»

تتبع و نگارش: امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان

و مسؤل مرکز فرهنگی د حق لاره- جرمنی

درس : saidafghani@hotmail.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**